

بسمه تعالی

معماری خانه

(لزوم بازگشت به مفاهیم معماری ایرانی)

مؤلف:

نیاز عظیمی

انتشارات ارسطو

(چاپ و نشر ایران)

خرداد ۱۳۹۵

سرشناسه: عظیمی، نیاز، ۱۳۶۷ -
عنوان و نام پدیدآور: معماری خانه (لزوم بازگشت به مفاهیم معماری ایرانی)/
مؤلف نیاز عظیمی.
مشخصات نشر: مشهد: ارسطو، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری: ۲۱۸ص: مصور، جدول، نمودار.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۳۲-۰۴۴-۳
وضعیت فهرست نویسی: فیفا
یادداشت: کتابنامه.
موضوع: معماری خانگی -- ایران
موضوع: Architecture, Domestic -- Iran
رده بندی کنگره: ۱۳۹۵ م۶ع/NAV۴۲۱
رده بندی دیویی: ۷۲۸/۰۹۵۵
شماره کتابشناسی ملی: ۴۲۷۲۱۳۸

نام کتاب: معماری خانه (لزوم بازگشت به مفاهیم معماری ایرانی)
مؤلف: نیاز عظیمی
ناشر: ارسطو (چاپ و نشر ایران)
صفحه آرای و تنظیم: پروانه مهاجر
طرح جلد: نسیمه قباخلو - نیاز عظیمی
تیراژ: ۱۰۰۰
نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۵
چاپ: مهتاب
قیمت: ۱۶۰۰۰ تومان
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۳۲-۰۴۴-۳
تلفن های مرکز پخش: ۳۵۰۹۶۱۴۵ - ۳۵۰۹۶۱۴۶ - ۰۵۱
www.chaponashr.ir



انتشارات ارسطو



چاپ و نشر ایران

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۵	پیشگفتار
۷	مقدمه
۹	پیشینه معماری در ایران
۲۱	انسان و نیاز به داشتن خانه
۳۶	نیازهای انسان و روند تکامل مسکن
۶۲	گونه‌شناسی مسکن
۹۳	عوامل تاثیرگذار در مجتمع‌های مسکونی
۱۱۴	لزوم بازگشت به (مفاهیم) معماری ایرانی
۱۵۱	تبیین الگوهای ساختاری خانه در معماری سنتی و مدرن
۱۶۵	استانداردها در طراحی مسکن
۲۱۰	منابع

پیشگفتار

خانه مبدا و مقصد زندگی روزمره انسان است. انسان‌ها برای کار و فعالیت اجتماعی از آن خارج می‌شوند و پس از کسب کار و تجربه به خانه باز می‌گردند. "خانه گوشه‌ای است که ما پس از تجربه‌ی ابعاد مختلف جهان پیرامون، به آن باز می‌گردیم. خانه برای انسان از چنان اهمیتی برخوردار است که می‌توان آن را مرکز دنیای فرد نامید." بنابراین خانه باید بتواند در فضای درونی و جلوه بیرونی خود توقع "مرکز دنیای فردی بودن" را برآورده سازد. امروزه به علت جبر زندگی و یا تک بعدی نگری و توجه به اقتصاد، بسیاری از ارزش‌های انسانی، اجتماعی، بومی و فرهنگی نادیده گرفته می‌شود.

در طول تاریخ بشر، تأمین مسکن یکی از مهمترین دغدغه‌های بشر بوده است و دائماً در صدد تکمیل مسکن بوده است ابتدا غارنشینی را تجربه می‌کند به تدریج همراه با تکامل مسکن و دستیابی به سرپناه مناسب در صدد رسیدن به آرامش است. در مسیر تاریخی و در تحولات زندگی اجتماعی مسکن هم متحول می‌شود و ما نمی‌بینیم که بخشی از تاریخ بشر وجود داشته باشد که در آن برهه، تحولات مسکن متوقف شده باشد. بشر روی توسعه تکمیل و زیبایی‌سازی محل اقامت خود وقت گذاشته است. به نظر می‌آید که در یک تعقل، تفکر، پندار و کردار برای ساخت مسکن شکل می‌گرفته است. مسکن تأثیرات وسیعی بر شخصیت، زندگی، تفکر و سلامت انسان دارد. اما سؤال این است که در گذر انسان از زندگی سنتی به صنعتی و غیره، او در چنین شرایطی آیا توانسته است مسکن مناسب خود را که تمام نیازهایش را پاسخ دهد برای خود فراهم کند؟ آیا مسکن فعلی انسان، مناسب با نیازهای آرامش، امنیت، زیبایی‌شناسی، آسایش، راحتی، سلامت، تفریح و خلوت او هست؟ (حائری، ۱۳۸۸: ۵)

در اینجا به این نکته مهم باید توجه داده شود که مفاهیم و مضامین فرهنگی نباید به صورت مستقیم در مرحله خلاقیت فضایی قرار گیرند و تبدیل به اثر معماری شوند بلکه باید در یک روند خلاقیت فکری از یک مرحله تجریدی عبور کنند و به بیان و یا ایده‌معمارانه بدل گردند و پس از آن خلاقیت فضایی، تلاش خود را در جهت تحقق بخشیدن به این ایده‌معمارانه آغاز می‌کند.

بنابراین مفاهیم، اسطوره‌ها، مضامین و دیگر تولیدات فکری اشتراکات زیادی در فرهنگ‌های مختلف دارند و عمدتاً مفاهیم واحدی‌اند که در سرزمین‌های مختلف به صورت‌های گوناگون بیان شده و به تصویر آمده‌اند. پس هر اندازه قدرت فضایی و شکلی اثر معمار بیشتر و غنی‌تر باشد، به همان اندازه توانایی بیشتری را برای به خودگیری و ارائه مفاهیم مختلف نشان می‌دهد، همان‌طور که با دیدن آثار موجود در سرزمین ایران آن مفاهیم اولیه‌ای را که مدّ نظر بوده است در آن می‌یابیم، لیکن به هیچ‌وجه آن را مقید به یک سرزمین معین و یا یک مفهوم معین نمی‌بینیم و ارتباط آن را با دیگر سرزمین‌ها و دیگر مفاهیم احساس می‌کنیم و از این رو این کارها خصلت جهانی بودن از خود نشان می‌دهند.

به همین جهت برآنیم تا علاوه بر احیای مفاهیم معماری سرزمینمان، در اغنای طراحی ساختمان بکوشیم و تکنولوژی معماری سنتی خود را که ایرانیان در ابداع آن پیشتاز بوده‌اند (سیستم‌های تهویه طبیعی، نور، آکوستیک، ساخت و غیره) را نیز احیا کنیم و آن‌ها را متناسب با تکنولوژی روز در اختیار همگان قرار دهیم.

مقدمه

اساسی‌ترین عاملی که بر معماری تاثیر گذاشته و به آن جهت می‌دهد مردمی هستند که استفاده کنندگان آنند. به همین جهت ارزش، اعتبار و موفقیت یک اثر معماری به این اصل وابسته است که این اثر معماری تا چه اندازه در تامین آسایش و راحتی مردم موفق بوده و توانسته نیازهای آن‌ها را برآورد. بنابراین اثری که نتواند آسایش استفاده کنندگان خویش را برآورده سازد، نمی‌توان به عنوان معماری به شمار آورد.

باید به این نکته توجه داشت که مردم نه تنها در خصوصیات ظاهری و نژادی، تعداد اعضای خانواده و جنس آن‌ها، نوع ساخت ابنیه و غیره بایکدیگر متفاوتند؛ (که باید این اختلاف‌ها شناخته شده و در تحلیل‌های معماری مورد استفاده قرار گیرند) بلکه نیازها، خواسته‌ها، عادات، اعتقادات، باورها و شیوه زندگی مردم نیز مانند هم نبوده و این امر در طراحی‌های معماری اهمیت فوق‌العاده و اساسی دارد. به همین علت یکی از معتبرترین منابع برای شناخت فرهنگ یک قوم بررسی بناها و معماری آن قوم است. این امر را در مورد تک تک افراد نیز می‌توان تعمیم داد، زیرا آن‌ها برای استفاده بهینه از خانه‌هایشان آن را طوری می‌سازند و آرایش می‌دهند که با تمام نیازها و اعتقاداتشان هماهنگ باشد؛ به همین دلیل خانه آن‌ها بیان کننده خصوصیات فردی صاحبانش می‌باشد، و بازتاب دهنده شخصیت و جودی وی است، چرا که انسان‌ها این نیاز را حس می‌کنند که محیط خود را شخصی و خصوصی کنند.

ایران در مرز میانه گرایش‌های شدید مذهبی و باورهای تاریخی و فرهنگی و آیینی از یک سوء و مختصات نظم‌پذیری و بریدن از هستی‌شناسی به شیوه کهن و روی‌آوری به

معرفت‌شناسی (epistemology) از طریق عقل محوری خود بنیان ابزار ساز جهان مدرن از سویی دیگر؛ قرار گرفته است که در آن حتی بازگشت مجدد به اسطوره‌ها و مناسک آیینی از دیدگاه عقلی و کاربردی صورت می‌گیرد و از ابعاد ایمانی و اعتقادی تهی است. بر این مبنا به نظر می‌رسد که راه‌حل منطقی این باشد که در عین توجه به درد فرهنگ عرفانی و دینی و ابلاغ پیام آن در صورت‌های هماهنگ با دیدگاه‌های امروز و تکنیک‌ها و دستاوردهای جدید شکلی ویژه از تلفیق مؤلفه‌های پدید آورنده عرضه گردد به گونه‌ای که صورت زیبای برآمده از عناصر زمانی؛ ظرفیت پذیرش معنای ژرف و گسترده بی‌زمان را در خود بیابد. در شکل‌گیری معماری ایران، نظر، جهان‌بینی و تفکر ارتباط بسیار نزدیک با فضا داشته است. این امر ممکن است در مرحله اول جستجوگر حل مسائل جوی و اقلیمی بوده باشد ولی در مراحل تکمیلی، ذهنیتی مشهود است که در آن کلیه تحولات عقلانی و تخیلات معنوی نفوذ کرده‌اند. همان گونه که پیوند نگاه به دنیا و زندگی در جوشش مکان‌ها و فضاها در تمامی ساختمان‌های معماری سنتی به چشم می‌خورد.

طراحی مجتمع مسکونی اگر با شناخت کافی از فرهنگ و آداب و رسوم استفاده‌کنندگان آن همراه نباشد، الزاما باعث بروز تضاد و دوگانگی بین آداب و رسوم، باورها (فرهنگ) و کارکردهای فضای مسکونی می‌شود. در این صورت ساکنان تا حد ممکن می‌کوشند، با دست‌کاری و تغییر در معماری بنا، واحد مسکونی را با آداب و رسوم و باورها و عقاید و ویژگی‌های زیست محیطی، و در یک کلام، با نیازها و ضرورت‌های فرهنگی و اجتماعی خود منطبق کنند. اگر بیگانگی معماری واحد مسکونی با ویژگی‌های مردم‌شناختی به حدی باشد که تغییرات و اصلاحات نتواند آن را با نیازها و ضرورت‌های فرهنگی همراه کند، این معماری به تدریج در نیازها و ضرورت‌های فرهنگی ساکنان تغییر ایجاد خواهد کرد، در حقیقت می‌توان گفت اگر واحد مسکونی با فرهنگ جامعه سازگاری نیابد، در نهایت فرهنگ جامعه ناچار از سازگاری با معماری واحد مسکونی خواهد شد. در غیر این صورت زندگی در تضاد و تراحم دائم برای ساکنان دشوار خواهد بود.

از جمله مهمترین مسائل فرهنگی ما ایرانیان که تاثیر آن بر معماری غیر قابل انکار است مقوله حریم می‌باشد، حریم مسئله‌ای است که از جنبه‌های گوناگون دارای اهمیت و قابل

بررسی است، با نگاهی به معماری گذشته خود و دیدن خانه‌های درونگرا که به مسئله حریم از جنبه‌های گوناگون پاسخ می‌دادند، و آن را به نحو مطلوبی به وجود می‌آورند. و با داشتن فضاهای مختلف برای رسیدن به بخش‌های خصوصی خانه سلسله مراتب حریم را به کامل‌ترین شکلی ایجاد می‌کردند. و از طرفی با توجه به وضعیت کنونی معماری که آنقدر به اقتصاد و ارتباط و الگوگیری از جوامع دیگر پرداخته که حریم را از یاد برده است. متوجه خلاء بزرگی می‌شویم که با فرهنگ و مذهب ما عجین می‌باشد.

پیشینه معماری در ایران

معمولاً در غرب به‌ویژه در اروپا برای یافتن ریشه‌های معماری معاصر، دوره‌های از نیمه دوم قرن هجدهم (سال ۱۷۶۰، آغاز انقلاب صنعتی) تا اوایل دهه قرن بیستم را مورد بررسی و مطالعه قرار می‌دهند. از این پس را آغاز معماری معاصر یا معماری مدرن که جنبش مدرن در آن تقریباً شکلی جهانی به خود می‌گیرد، می‌دانند و علل اصلی پیدایش معماری مدرن را ناشی از تغییر سلیقه، پیشرفت‌های ساختمانی چه از لحاظ علمی و فنی همین‌طور در نظریه‌ها و نگاه‌های جدید به جهان، قلمداد می‌کنند.

حال، اگر بخواهیم روند بررسی بالا را در مورد معماری معاصر ایران به کار گیریم با نیمه نخست قرن دوازدهم (دقیقاً سال ۱۱۱۸ شمسی) مصادف می‌شویم، یعنی دوران حکومت افشاریه، ولی آگاهی از تاریخ کشورمان کافی است تا بدانیم در این دوران نه تنها از انقلاب صنعتی خبری نیست، بلکه هنوز از آثار آن نیز به کلی مصون هستیم.

در جستجو برای انتخاب تاریخ و مبدأ این قضیه، پی می‌بریم که تا اواسط دوره قاجاریه، معماری و هر آنچه که به آن مربوط می‌شد در نوعی پیوستگی و به صورت مجموعه‌ای واحد، قابل درک و تحلیل است. با این امر اشکال، فرم‌ها و روش‌های مختلف طرح و اجرای ساختمان‌ها توسط صاحب کاران و معماران با شرایط مختلف زمان و مکان تغییر می‌کردند، ولی تمام مراحل کار از توازن و تناسبی مستحکم بین جامعه و معماری حکایت دارد.

تنها در جزئیات است که بر اثر سلیقه معماران یا خواست صاحب کاران، تغییراتی به چشم

می خورد. بدین ترتیب می توان گفت که تغییرات یا تفاوت‌ها در سطح بیان معماری است. تا این زمان معمار را نمی توان از جامعه منفک کرد، معمار نیز یکی از اعضای جامعه است و در تقسیم کار گروهی، مانند همه در حیطه خواست‌ها و نیازهای جامعه فعالیت دارد. لازم به ذکر است که مسائلی نظیر رابطه معمار و جامعه، یا وظیفه‌ای که جامعه بر عهده معمار نهاده است مباحثی هستند که دوره اخیر مطرح شده‌اند.

در ادامه مطالعه و بررسی از سویی می توان از روش معمول تاریخ هنر تا آغاز معماری مدرن که در آن مسئله اصلی مطالعه ارزش‌های فرمال است تبعیت کرد، که در این روش اصولاً به کیفیات و روابط فرم‌ها، به‌ویژه فرم‌های اصلی بنا توجه شده و با در نظر گرفتن آن تغییرات به توضیح و تعبیر عوامل مختلف بنا پرداخته می شود. ولی از سوی دیگر مشاهده می گردد که از اواسط دوره قاجاریه رابطه معماری و جامعه کم کم تغییر می یابد و این تغییر در دوره پهلوی به اوج خود رسید.

البته در اینجا نیز استفاده از روش بالا امکان پذیر است و می توان از مطالعه فرم‌های دوره گذشته به بررسی فرم در معماری نیز پرداخت و از تغییر و تحول این فرم‌ها، هنرمندان یا سبک‌های ویژه‌ای سخن راند. ولی همان طور که ثابت شده است این‌ها بخش کوچکی از رویدادهای معماری و فرهنگ معاصر را تشکیل می دهند، زیرا که علاوه بر آنها در امر تغییر و تحولات اجتماعی اجتماعی، مسائلی تازه، جدا از رسوم و عادات موروثی مطرح می شوند که در زمینه معماری در درجه نخست اهمیت قرار می گیرد.

بنابراین این ضرورت به چشم می خورد که حیطه مطالعات را باید وسیع تر کرد، تحولات در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و فنی را هم در نظر گرفت و تأثیرات آنها را در معماری مورد بررسی قرار داد، هر چند که رابطه یا پیوستگی این عوامل به معماری چندان مشهود به نظر نمی رسد، ولی ادامه کار روشن می سازد که به علت مطرح شدن احتیاجات مادی و معنوی جدید، افکار نو و وسایل جدید، این مسائل به تدریج وارد میدان فعالیت معماری شده تا جایی که نوعی معماری جدید را مطرح می کنند و به وجود می آورند که به هر حال معماری گذشته متفاوت است.

از این طریق است که می‌توان پیدایش معماری معاصر ایران را، که به علت عدم ریشه‌یابی آن، گاهی با نگرش دگماتیسمی مردود اعلام می‌شود، به طور روشن به دست داد و سپس به داوری آن نشست. در این رابطه یک نمونه و سه مقطع زمانی را می‌توان مد نظر قرار داد:

نمونه‌ای که نقطه عطفی در تغییرات فرمان معماری ایران می‌تواند قلمداد شود، بنای دیوانخانه کریم‌خان‌زند در شیراز است. در این بنا به سه ویژگی که تا آن زمان در معماری ایران وجود نداشته، می‌توان اشاره کرد: اول، سنگ‌کاری پایین دیوارها، دوم طلاکاری در سقف آن و سوم، که از دو ویژگی پیش نیز با اهمیت‌تر است پیشانی معلمی آن است اهمیت این ویژگی بیشتر از آن جهت قابل تأمل است که تغییر فنی و اجرایی را در عمل به دست می‌دهد و آن استفاده از پوشش شیروانی است که از آن زمان به بعد در تمام معماری ایران شیوع می‌یابد.

سه مقطع زمانی نیز به ترتیب عبارتند از:

- نخست تحولات اولیه در دوره قاجاریه

تهران شاه طهماسبی بدون تغییر چندانی به آقا محمدخان واگذار می‌شود و آقا محمد خان تهران را پایتخت اعلام می‌کند و پس از آن نیز فتحعلی‌شاه در همین پایتخت به سلطنت خود ادامه می‌دهد. در این زمان ایجاد مناسبات رسمی با کشورهای خارجی بویژه روسیه تزاری همچنین رفت و آمدهای روز افزون به کشورهای خارج آغاز می‌شود.

پیامد این روابط ایجاد شبه سفارتخانه‌ها و احداث سفارتخانه‌های خارجی به سبک و سیاق معماری آن ممالک است که در دگرگونی معماری ایران نیز بی‌تأثیر نبوده است. در همین زمام اعزام نخستین گروه دانشجویان توسط عباس میرزای نایب‌السلطنه به لندن صورت می‌گیرد که این گروه در سال ۱۳۲۰هـ.ق با عنوان مهندس، طبیب و معلم به ایران برمی‌گردند.

در سال ۱۲۲۲، ژنرال قاردان خان از جانب ناپلئون با هفتاد معلم به عنوان پیشه‌وران، صنعتگران و مهندسان همراه با توپ‌های جنگی برای اسلح قشون ایران به ایران می‌آیند. اشاره به همین نکته کافی است تا آغاز رخنه و تأثیر فرهنگ اروپایی و تغییرات و تحولات

فرهنگی را به خوبی مشهود سازد.

ویژگی‌های ساختمانی و شهری شهر تهران در این زمان عبارتند از:

- حصار شاه‌طهماسبی شهر با چهار دروازه خود همچنان پابرجاست، به عبارت دیگر هنوز شهر نیاز به توسعه پیدا نکرده است.
- مصالح عمده مصرفی در ساختمان‌ها عبارتند از خشت و آجر و سنگ به طور محدود. پوشش‌ها عمدتاً گنبد در فضاهای عمومی خاص و مذهبی، و در سایر موارد استفاده از تیر چوبی است.
- در و پنجره کاملاً چوبی است.
- نازک‌کاری ساختمان عمدتاً اندود گچ با انجام تزئینات و نقاشی روی آن است.
- ساخت خانه‌های اعیان و اشراف به صورت اندرونی و بیرونی است.

- دوم، تحولات در دوره ناصرالدین شاه

در این زمان به علت توسعه روابط و ارتباطات به‌ناچار دگرگونی‌هایی که در تمام زمینه‌ها صورت می‌گیرد که معماری نیز از آن‌ها بیرون نیست. یکی از عوامل مؤثر در این مورد راه، مسافرت‌های مکرر ناصرالدین شاه به قدری بوده است که حتی اقدام به احداث موزه شخصی برای خود کرد، تغییر پوشش زنان حرم‌سرا را نیز در همین ارتباط می‌توان نام برد. نقل شده که در یکی از سفرها که ناصرالدین شاه از برنامه باله‌ای نیز دیدن کرده بود، تحت تأثیر لباس بالرین‌ها قرار گرفته و پس از برگشت دستور داد که زنان حرم‌سرا نیز لباس بالرین بپوشند.

نخستین آثار این تغییرات، توسعه و گسترش دارالخلافه برای کنترل شهر تهران، تعیین محدوده جدید برای آن حصار شاه‌طهماسبی تا ۱۲۸۴ هـ.ق پابرجا بود. احداث میدان‌ها، بازارها و نوع جدیدی از معماری یعنی مهمانخانه است. در همین زمان چند کارخانه در شهر تهران احداث می‌شود که می‌توان به کارخانه‌های ریسمان‌ریسی که از انگلستان وارد کردند که چراغ گاز که بعداً به چراغ برق تبدیل شد، نام برد.

همچنین در همین زمان امتیاز بانک شاهی به دولت انگلیس واگذار شد و سفارتخانه‌ها به طور رسمی فعال گردیدند که از آن میان می‌توان با احداث سفارتخانه‌های روس، انگلیس، آمریکا، دولت عثمانی، اتریش فرانسه و جز آن اشاره کرد. در این زمان نحوه رشد و گسترش شهر تهران ایجاب می‌کند که نهاد داروغه‌خانه به اداره اقتصادی تبدیل شود و به این وسیله نظم و ترتیب شهر به آن واگذار می‌شود.

در این دوره هر چند ایجاد بناها به دستور شاه صورت می‌گیرد، ولی در واقع درباریان، وزرا، صاحب‌منصبان و تجار نیز نقش عمده‌ای دارند. این رشد نیاز به مصالح بیشتر را طلب می‌کرد ولی ماده عمده در دسترس همان خاک بود که همچنان به صورت خشت و آجر در ساختمان‌سازی به کار گرفته شد. تکنیک ساختمانی این دوره با دوره‌ای که پیشاپیش به آن اشاره شد تفاوت چندانی ندارد. پوشش سقف‌ها با همان صورت گنبدی و تیرچوبی است. در نازک کاری از گچ پخته استفاده می‌شود. استفاده از آهک در پی ساختمان‌ها تنها پیشرفت فنی در این دوره است.

به علت رشد فعالیت ساختمانی، نارسایی در نیروی متخصص و ماهر، کاملاً مشهود است، این امر سبب به وجود آمدن استادکاران و هنرمندان بدون تبحر کافی می‌باشد که پیامد آن از دست دادن کیفیت اجرایی ساختمان‌سازی حتی در بناهای عمومی و سلطنتی است. ولی چاره‌ای نیست، چون به علت به وجود آمدن قشر و خاندان تازه و نوپا، نیاز به رخ کشیدن شکوه و جلال حتی به صورت کاذب ضروری می‌نماید.

توسل به زینت و تزئین ساختمان پوششی برای این نارسایی‌ها، به‌ویژه نارسایی‌های اجرایی و عدم تبحر است و حتی کار به آنجا می‌رسد که از رنگ کردن آجر نیز ابایی ندارند.

طرح‌های عمده اجرا شده در این برهه عبارتند از:

- کاخ گلستان که مجموعه‌ای از چند تالار است.

- بنای نارنجستان، تالار موزه که پس از سفر سال ۱۲۹۹ ناصرالدین‌شاه به خارج ساخته شد.

- تغییرات اساسی در عمارت بادگیر و تالار الماس.

- کاخ ایض که معروف است طرح گچبری‌های آن از خود ناصرالدین شاه است.

- بنای حرم خانه و خوابگاه ناصری.

- گوشک شمس العماره که تحت تأثیر ساختمان‌های اروپایی در سال ۱۲۸۴ هـ.ق از جانب معیرالملک به شاه هدیه شد و طرح اولیه آن به دست مهندسان فرانسوی و اتریشی تهیه شده بود.

تظاهر معماری اروپا در این بنا با تبدیل قوسی از نوع رسمی به نیم‌دایره کاملاً مشهود است که سپس در عمارت کلاه فرهنگی عشرت‌آباد نیز تکرار شد.

از ساختمان‌های دیگر به سبک نیمه اروپایی میتوان از ساختمان واقع در ضلع شرقی میدان توپخانه که به دست وزیر گمرکات ساخته شد و سپس به بانک شاهی تبدیل شد، نام برد غیر از این ساختمان‌های حکومتی، روند عمومی ساختمان‌سازی نیز همچنان در انواع بناهای تجاری، مذهبی و خانه‌سازی جریان داشت که از نمونه‌های بارز آن می‌توان به مدرسه و مسجد سپهسالار اشاره کرد که به سال ۱۲۹۶ هـ.ق به دست مشیرالدوله در جنب منزل شخصی خود احداث گردید، که بعداً محل تشکیل نخستین دوره مجلس نیز بود.

از بناهای معروف دیگر این دوره، احداث مدرسه دارالفنون به سال ۱۲۹۸ هـ.ق به دست امیرکبیر است که در آن رشته‌های جدید علوم مانند ریاضیات، هیئت، فیزیک، شیمی، معدن شناسی به سبک مدرن اروپایی تدریس می‌شد. به سال ۱۲۸۴ هـ.ق، تکیه دولت به دستور شاه و به دست معیرالملک در ضلع شرقی کاخ گلستان احداث گردید. الگوی طرح تکیه دولت را مهندسن فرانسوی ارائه کرده بودند.

بنای سفارت آمریکا نیز در همین زمان یعنی به سال ۱۳۰۱ احداث شد. پس از ترور ناصرالدین شاه تا زمان صدور فرمان مشروطیت، تمام فعالیت‌ها در زمینه معماری با رکود نسبی همراه است. پس از آن نیز با توجه به تغییر نوع حکومت، پیش‌بینی‌هایی در قانون اساسی و مجلس در مورد به وجود آمدن سازمان‌ها و نهاد‌های جدید صورت گرفت ولی به علت عدم موفقیت نسبی نظام حکومت مشروطه در آغاز شکل‌گیری خود، تا زمان کودتای رضاخان

و آغاز سلطنت پهلوی این رکود همچنان ادامه داشت و در فعالیت‌های صورت گرفته نیز هیچگونه احساس مسئولیت در جهت بهبود کار مشهود نیست.

به طور کلی جمع‌بندی ویژگی‌های بناهای این دوره را در چند نکته زیر می‌توان خلاصه کرد:

- تأثیر مستقیم برخی معیارهای اروپایی در بناهای این دوره.
- استفاده از تزئینات و رنگ در داخل و خارج ساختمان به‌ویژه به شکل نقاشی.
- ترکیبات جدید فضایی در فرم کلی بنا.
- بزرگتر شدن فضاها.
- کاهش دقت در ساخت بنا.

- سوم، دوره رضاخان:

شروع معماری معاصر ایران را می‌توان از حدود سال ۱۳۰۰ به بعد تصور کرد. این زمانی است که در اثر تحولات سیاسی و اجتماعی جریان زندگی اجتماعی و اقتصادی ایران تغییر کرد، سیمای شهرهای ایران متحول شد و بناهای لازم برای زندگی جدید مانند ادارات، کارخانجات، بانک‌ها، ایستگاه‌های راه‌آهن، دانشگاه‌ها و جز این‌ها، و هم‌چنین واحدها و مجموعه‌های مسکونی جدید در شهرها بوجود آمدند. این بناها برخلاف بناهای قبل از تاریخ معاصر که بدست معماران سنتی طراحی و ساخته می‌شدند، به تدریج بدست معماران تحصیل کرده طراحی گردیدند. این عده را در ابتدا معماران غیر ایرانی تشکیل می‌دادند و سپس اندک‌اندک معمارانی که در مدارس معماری خارج از ایران تحصیل کرده بودند، و به دنبال آن با ایجاد اولین مدرسه معماری ایران در حدود سالهای ۱۳۲۰، معماران تحصیل کرده ایرانی نیز به آن‌ها اضافه شدند. از همان ابتدا و از طراحی اولین آثار در معماری معاصر ایران، توجه به معماری گذشته این سرزمین و میراث با ارزش آن مطرح می‌گردد و این توجه در دوره‌های مختلف به صورت‌های متفاوت بروز می‌یابد.

در دوره اول، در فاصله سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۲۰ که پهلوی اول بر ایران حاکم بود و آثار مهم معماری عمدتاً بوسیله حکومت و بدست معماران خارجی ایجاد شدند، توجه به معماری گذشته بصورت تکرار سطحی و ظاهری عناصر بناهای معماری ایران - بخصوص در دوره‌های قبل از اسلام، یعنی هخامنشی و ساسانی - صورت گرفت و در کنار آن کارهای دیگر معماری به وجود آمدند که در آن‌ها عناصری از معماری گذشته ایران در شکل بعد از اسلام آن با عناصری از معماری اروپایی درهم آمیخته شده بود.

به هر حال عمده این آثار به جز چند اثر محدود مانند موزه ایران باستان کار ماکسیم سیرو و آندره گدار، به رغم استواری و استحکامشان، فاقد ارزش چندان چشمگیری بودند .

در این دوره رضاخان پس از به دست گرفتن حکومت، ارتباط بیشتری را با غرب آغاز کرد و تحولی را در نظام اقتصادی و اجتماعی به وجود آورد و به ایجاد حکومت مقتدر مرکزی دست یازید. با توجه به نظام حکومتی، پایه‌گذاری سازمان‌های جدید دولتی آغاز شد. بودجه کشور بر خلاف دوره قاجاریه که همواره تهی بود با اخذ مالیات‌ها و عوارض گمرکی و منابع طبیعی به مقدار قابل توجهی افزایش یافت. دانشجویان بیشتری به خارج از کشور اعزام شدند و از جمله چند دانشجو برای تحصیل معماری به مدرسه بوزار فرانسه اعزام شدند .

- دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳هـ.ش و دانشکده هنرهای زیبا به سال ۱۳۱۹ تأسیس شد .

- تشکیل شهرداری به صورت نوین به سال ۱۳۱۱ صورت گرفت و متعاقب آن، برج و باروی شهر تهران برای احداث خیابان‌ها و میدانی جدید تخریب شد.

- مساحت شهر به سال ۱۳۰۸، ۲۴ کیلومتر مربع یعنی شش برابر زمان فتحعلی شاه بود که در سال ۱۳۱۳، یعنی به فاصله پنج سال به ۴۶ کیلومتر مربع و به عبارت دیگر یازده برابر زمان فتحعلی شاه شد .

- فعالیت شرکت‌های خارجی در ایران نیز از همین زمان آغاز می‌شود که می‌توان به فعالیت شرکت یرژه به سال ۱۳۹۰ که طرح ایستگاه و راه‌سازی راه آهن جنوب را بر عهده

داشت، اشاره کرد.

- دیگری شرکت کامپاکس که تکمیل راه آهن به آن واگذار شد.

- و شرکت سنتاب که طرح پل فلزی اهواز را بین سالهای ۱۳۰۶ تا ۱۳۱۰ انجام داد.

تیر آهن و سیمان به صورت وارداتی از حدود سال ۱۳۱۱ در ساختمان سازی مورد استفاده قرار گرفت. پیش از آن با توجه به اینکه مسیومار کف روسی از تیر آهن در نعل درگاه ساختمان استفاده کرده بود، از ریل های فرسوده راه آهن یا لوله های نفت نیز در ساختمان سازی استفاده می شد. در همین زمان استاد سوئیسی مقاومت مصالح دانشگاه تهران استفاده از تیر مرکب فلزی را نیز به دست داد.

- به سال ۱۳۱۱، کارخانه قند شاهی با ترکیبی از کاربرد آجر و بتن احداث شد.

- به سال ۱۳۱۲ نخستین پل بتنی پیش فشرده، پل ورسک در شمال و ساختمان شهرداری در شمال میدان توپخانه ساخته شد. و در همین سال کارخانه سیمان ری تأسیس گردید.

فعالیت های عمرانی در این زمان به دو طریق صورت می گرفت: یکی از طریق شرکت مقاطع کاری ساختمانی کشور و دیگری از طریق کمیسیون های ساختمانی که به کادر فنی مجهز بود و تعدادی معمار را هم داشت.

اصول طراحی مبتنی بر دو دیدگاه بود: تقلید از گذشته، یا سازگاری معماری با زندگی جدید.

مجموعه بناهای شکل گرفته اطراف میدان مشق، حاصل دیدگاه نخست است: ساختمان تلگرافخانه، ۱۳۰۴ به دست الگال، تقلید از نوکلاسی سیسم اروپا؛ ساختمان دادگستری، تقلیدی از معماری گذشته خود؛ ساختمان بانک ملی به دست هنریش آلمانی، ۱۳۱۱ با الهام از معماری هخامنشی؛ نمونه نسبتاً موفق میان آنها، ساختمان پست، ۱۳۱۱۳۰۷ بنای وزارت امور خارجه به دست الگال با چشم داشتی به بنای کعبه زرتشت هخامنشی کاخ شهربانی، کاری از باقلیان که افراطی ترین برداشت از عناصر معماری هخامنشی است. وزارت جنگ، عمارت ثبت کل و همچنین کتابخانه ملی نمونه های دیگری از این دیدگاه است. همچنین

موزه ایران باستان، ۱۳۱۴، اثر آندره گدار که به گفته خودش در طراحی آن لحظه‌ای از اندیشیدن به طاق کسری غافل نبوده است. دبیرستان فیروز بهرام، ۱۳۱۱، به دست جعفرخان معمارباشی، دبیرستان انوشیروان دادگر، ۱۳۱۵۱۳۱۳، و قسمتی از دبیرستان کالج، ۱۳۱۳، هر دو به دست مسیومارکف در زمره معماری‌هایی از این دستند.

بالاخره در سال ۱۳۱۴، طراحی از سوی یک معمار جوان ایرانی تحصیل کرده فرانسه که پس از ۱۷ سال به کشور بازگشته بود، یعنی طرح پیشنهادی وارطان هوانسیان برای هنرستان دختران، برنده اعلام شد. در واقع این بنا را می‌توان حرکت نوینی در معماری ایران دانست که کاملاً در روند معماری مدرن رایج در دنیا به دست داده شده بود. پس از آن این نوع معماری به سرعت در ستیر انواع معماری: بناهای مسکونی، تجاری اداری و جز آن شیوع یافت و نتیجه آن بوده است که امروز شاهد آنیم.

دوره بعدی از سال ۱۳۲۰ و آغاز حکومت پهلوی دوم شروع می‌گردد و تا اواخر دهه چهل ادامه می‌یابد و کارهای معماری مهم عمدتاً بدست چند معمار ایرانی مانند محسن فروغی، هوشنگ سیحون و عبد العزیز فرمانفرمایان ساخته می‌شود. در این گونه کارها به گذشته معماری ایران توجه می‌گردد و این توجه کیفیت بهتری نسبت به دوره قبل دارد و در آنها کوشش می‌شود که از هندسه و الگوهای معماری ایران استفاده شود. یکی از برجسته‌ترین کارهای این دوره مقبره بوعلی سینا در همدان کار هوشنگ سیحون است. این دوره نیز به هر حال نمی‌تواند کار مهمی را در بکارگیری اصول و مبانی اسلامی ایران و تکامل آن انجام دهد.

دوره دیگر از اواخر دهه چهل آغاز می‌گردد و تا آستان پیروزی انقلاب ادامه می‌یابد و همزمان با دوره‌ای است که معماری مدرن سال‌های آخر خود را می‌گذراند و اصولاً در معماری مدرن نیز یک جریان تاریخ‌گرا پدید می‌آید. چند معمار ایرانی کوشش در پدید آوردن آثاری در پیوند با معماری گذشته ایران بعمل می‌آوردند که در سطح بالاتری نسبت به آثار مشابه که قبل از آن در ایران پدید آمده بود، قرار داشت و از نمونه‌های خوب آن مرکز آموزش مدیریت کار نادر اردلان و موزه هنرهای معاصر کار کامران دیباست.

پس از شروع جریان‌های فرامدرن در معماری جهان، که همزمان با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران بود، دو موضوع به موازات هم دوره جدیدی از معماری را در ایران بوجود آورد. یکی اینکه اصولاً پس از پیروزی انقلاب معماران ایرانی سعی کردند که معماری ایران را به سوی یک معماری با هویت مستقل متکی بر میراث معماری گذشته خود هدایت کنند و دیگر اینکه مبانی معماری فرامدرن نیز توجه جدی به معماری گذشته سرزمین‌ها را مطرح می‌ساخت. این دو موضوع دست بدست هم دادند و آثاری در ایران بوجود آمدند که سبک و سلیقه معماری فرامدرن را با توجه به عناصر معماری گذشته ایران (بخصوص معماری بعد از اسلام) در خود داشتند، لکن برخورد آن‌ها با معماری گذشته ایران برخورد چندان عمیقی نبود بخصوص که عناصر کلیشه‌ای معماری فرامدرن نیز به وفور در این آثار بکار گرفته شده بودند.

آنچه که بصورت بسیار گذرا در مورد بخشی از معماری معاصر ایران که به میراث معماری گذشته توجه داشت مطرح شد، دو نکته اصلی را در معماری معاصر ایران نشان می‌دهد:

- ۱- معماری معاصر ایران در بخش عمده خود همواره در دغدغه تاریخ معماری ایران را داشته و تلاش‌هایی را در جهت پیوند به معماری گذشته و تداوم آن بعمل آورده است.
- ۲- توجه معماری معاصر ایران به معماری گذشته، بیشتر سطحی و ظاهری بوده و توجه عمیق به روح کلی و همچنین اصول و مبانی آن و بکارگیری این اصول و به خصوص تکامل آن را چندان در خود نداشته است.

دغدغه پیوند با گذشته و عدم توفیق اساسی در به‌وجود آوردن یک جریان معماری که بتواند به صورت صحیح در ادامه و تکامل تاریخ با ارزش معماری ایران باشد و سهمی را در معماری معاصر جهان به خود اختصاص دهد و حتی بتواند سهمی در پیشبرد معماری امروز جهان داشته باشد، موجب شد که در دهه اخیر برخی از معماران ایران، با تکیه بر تجربیات و تلاش‌های معماران دهه‌های گذشته، تلاش‌های جدیدی را در این زمینه آغاز کنند و به صورت جریانی در معماری امروز ایران در آیند.

متأسفانه به علت عدم پیوند جدی بین این معماران و عدم تبادل نظر و فکر، به رغم دیدگاه‌های مشترک بسیاری که در کارها و دیدگاه‌های آنها می‌توان دید، هنوز این جریان شکل مشخصی به خود نگرفته و مبانی نظری خود را تنظیم نکرده است.

در ابتدا در مورد معماری، باید به این نکته مهم اشاره کرد که معماری در سرزمین‌های مختلف و همچنین در زمان‌های گوناگون با پرده‌های سنگین از یکدیگر جدا نشده است، اگر چه هر سرزمین و هر زمانی معماری خاص خود را داشته است و در آینده نیز خواهد داشت، لکن در تحلیلی ژرف خطوط واحدی کلیه آثار معماری را در تمامی زمان‌ها و تمامی سرزمین‌ها به یکدیگر پیوند می‌دهد. تمامی آثار با ارزش معماری، زمانی که با یکدیگر و یکجا نگریسته شوند، دارای دو ویژگی اصلی‌اند.

اول اینکه در مجموع معماری جهان سیری تکاملی را نشان می‌دهد که تمامی عناصر به عنوان اجزای این سیر تکاملی به نظر می‌آیند و مشخصه این سیر تکاملی عظیم که در بیش از چند هزار سال معماری رخ داده است، حرکت عمومی آثار معماری به موازات حرکت کلی جهان هستی، یعنی حرکت کیفیت مادی به کیفیت روحی و به بیان معمارانه کم کردن ماده و افزایش فضا است.

دوم اینکه در تمامی آثار معماری یک وجه مشترک وجود دارد و آن رخ دادن خلاقیت در این آثار است. این خلاقیت به دو شکل در اثر معماری بروز می‌کند: یکی خلاقیت نظری، یعنی آن مبنای فکری که اثر معماری بر اساس آن نظریه خود را استوار می‌سازد و دیگر خلاقیت فضایی که بخش معمارانه آن است. هر اثر معماری که فاقد خلاقیت باشد، نمی‌تواند جایی را در سلسله عظیم آثار تاریخی معماری جهان به خود اختصاص دهد.

دو ویژگی مذکور که به آن اشاره شد، پیوند وسیعی را بین آثار معماری چه در سرزمین‌های مختلف و چه در زمان‌های متفاوت با یکدیگر برقرار می‌سازد و معماری بطور کلی نوعی کیفیت جهانی پیدا می‌کند، لکن دقیقاً در چارچوب این جریان وسیع به هم مرتبط معماری، اجزای آن که در سرزمین‌ها و زمان‌های مختلف اتفاق افتاده‌اند، توانسته‌اند رنگ و طعم زمان و سرزمین خود را به خود گیرند. به این ترتیب همواره اثر معماری، هم کیفیت